



استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تجربه‌های بین‌المللی

استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، مقررات حسابداری هستند که هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری که یک نهاد مستقل در لندن است، وضع می‌کند. هدف هیئت مزبور، وضع مقرراتی است که شرکت‌های سراسر جهان به صورت یکنواخت در گزارشگری مالی به کار گیرند. بین سال‌های ۱۹۷۳ تا ۲۰۰۰، استانداردهای بین‌المللی توسط سازمان قبلی هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری وضع می‌شدند. این کمیته در سال ۱۹۷۳ توسط حسابداران حرفه‌ای استرالیا، کانادا، فرانسه، آلمان، ژاپن، مکزیک، هلند، انگلستان، ایرلند و ایالات متحده تاسیس شده بود. در این مدت، مقررات کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری، به عنوان «استانداردهای بین‌المللی حسابداری» نامیده می‌شدند. از آوریل ۲۰۰۱، این وظیفه قانون‌گذاری به سازمان جدید هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری واگذار شد. هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، قوانین خود را با عنوان «استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی» منتشر کرد. هر چند قوانین وضع شده توسط کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری نیز هم‌چنان مورد قبول سازمان جدید بود، هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری دارای منابع مالی بیشتر، کادر حرفه‌ای‌تر و استقلال بیشتر نسبت به کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری است. هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، هدف رسمی خود را چنین بیان می‌کند: مجموعه‌ای واحد از استانداردهای جهانی حسابداری قابل درک و قابل اجرا در جهت منافع عمومی که اطلاعاتی با کیفیت بالا، شفاف و قابل مقایسه را در صورت‌های مالی و سایر گزارش‌های مالی، تضمین می‌کنند تا به فعالان بازارهای جهانی سرمایه و سایر استفاده‌کنندگانی که تصمیمات اقتصادی می‌گیرند، کمک کند.

چالش‌های پیش روی هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری

ایس‌چنین به نظر می‌رسد که عمده‌ترین و اصلی‌ترین چالش پیش روی همگرایی، تدوین یک استاندارد کلی با توجه به شرایط جوامع بین‌الملل، فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف و شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این جوامع است. از طرفی، پیچیدگی تدوین چنین استانداردهایی نیز می‌تواند به عنوان یکی از معضلات تدوین این استانداردها باشد. بنابراین مراجع تدوین‌کننده این استانداردها، باید تلاش کنند که از پیچیدگی این استانداردها بکاهند، بدون اینکه در کیفیت این استانداردها تغییری حاصل شود. یکی دیگر از موانع

همگرایی، نیاز به بررسی وضعیت شرکت‌های کوچک و متوسط است که این نیازها، شایسته بررسی است. برای نخستین بار، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار، پیشگام در زمینه همگرایی بوده‌اند و شاید بهتر باشد که مجموعه‌ای از استانداردهای همسو برای این شرکت‌ها تدوین شود. باید این استانداردها براساس یک چارچوب نظری بین‌المللی که در آن، تمام شرایط و وضعیت این شرکت‌ها در نظر گرفته شده، تدوین شوند تا بتوان پاسخ مناسبی برای نیازهای استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی و درون‌سازمانی استفاده‌کننده از گزارش‌های مالی این شرکت‌ها، فراهم ساخت. تدوین این استانداردها باعث افزایش مقایسه‌پذیری اطلاعات در سطح بین‌الملل شده و مسیر اطمینان‌بخشی برای انتقال آسان به مرحله استفاده کامل از استانداردهای همسو را فراهم می‌سازد (شاه ویسی و همکاران، ۱۳۸۷). می‌توان گفت که مباحث فرهنگی، الگوها و جنبه‌های سیاسی، موضوعاتی هستند که بیشترین تأثیر را بر این فرایند دارند. هر چند همه از لحاظ نظری طرفدار همگرایی هستند، اما به همین اندازه تمایل به تغییر روش‌های موجود برای آسان کردن همگرایی ندارند. ارجح اینکه با حفظ سطح کیفیت قابل قبول، بحث فنی با هدف کمال‌گرایی به تأخیر افتد و کوشش شود بعضی اولویت‌ها به نفع یک هدف متعالی، یعنی ارائه یک زبان واحد به جامعه استفاده‌کننده از گزارشگری مالی که برای همگان نیز مفهوم باشد، متوقف شود (حساس یگانه و پیفه، ۱۳۹۰). در این مطالعه تلاش می‌شود تا با بررسی مطالعات انجام شده در کشورهای گوناگون و نتایجی که حاصل شده، ابعاد گوناگون پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تا حدودی تبیین شود. گفتنی است به منظور تلخیص مطالب و کاهش تعداد صفحات مقاله، امکان ارائه تفصیلی نتایج مطالعات، وجود ندارد؛ بنابراین اشاراتی بسیار گذرا به برخی مقالات، صورت خواهد گرفت.

به کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

آلمان: گاسن و سلهرن (۲۰۰۶) نتیجه گرفتند که شرکت‌هایی که از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی استفاده می‌کنند، پایداری سود بیشتر، قابلیت پیش بینی سود کمتر و محافظه‌کاری مشروط سود بیشتری دارند. همچنین، نتایج تحقیق پانان و لین (۲۰۰۸) نشان داد که سودها و ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، در طول دوره استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، نسبت به دوره استفاده از استانداردهای حسابداری بین‌المللی،

محتوای اطلاعاتی کمتری دارند.

اتحادیه اروپا: آئوبرت و دمانتیر (۲۰۰۹) نشان دادند تحلیلگران قادر نبودند، عواقب ناشی از به کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر سود و خطاهای پیش‌بینی که به طور قابل توجهی به تفاوت در سود وابسته‌اند و حاصل پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی هستند را پیش‌بینی کنند. دوال و همکاران (۲۰۰۹) نیز به شواهد مختلفی درباره افزایش در ارزش اطلاعاتی و مربوط بودن دست یافتند.

استرالیا: به بیان کاتر و همکاران (۲۰۰۹)، به کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، درستی و صحت پیش‌بینی تحلیلگران را بهبود می بخشد. آنا و همکاران (۲۰۱۱) معتقدند، تجزیه و تحلیل خطاهای حسابداری که از انتقال به استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی ناشی می‌شود، نشان می‌دهد که ویژگی‌های شرکت، مدیر مالی و حسابرس شرکت، همه با خطاهای انتقال به استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی همراه هستند و این خطاها با عدم تفران اطلاعات بیشتر و افزایش حق‌الزحمه حسابرسی که به عنوان فعالان بازار به مشکلات اتخاذ اصول پذیرفته شده حسابداری جدید توسط شرکت‌ها واکنش نشان می‌دهند، همراه هستند.

اسپانیا: به بیان آلدو و همکاران (۲۰۰۹)، شرکت‌ها، محافظه‌کارانه‌ترین معیارها را به کار می‌گیرند تا شمار اختلافات بین دو استاندارد (استانداردهای حسابداری اسپانیا و استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی) را بکاهند.

آفریقای جنوبی: ارنست برگر و همکاران (۲۰۰۸) ثابت کردند که سرمایه‌گذاران، به پیشرفت در حسابداری که با انطباق داوطلبانه با این استانداردهای جدید همراه است، واکنش مثبت دارند.

ایالات متحده آمریکا: نتایج بررسی‌های هیل و همکاران (۲۰۰۹) نشان داد که اتخاذ تصمیم برای پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی مشتمل بر هزینه - منفعت، ایجاد توازن بین این موارد است: (۱) مزایای قابلیت مقایسه برای سرمایه‌گذاران؛ (۲) صرفه‌جویی در هزینه آتی که به میزان زیادی برای شرکت‌های چندملیتی رخ می‌دهد و (۳) هزینه‌های انتقال سابق که توسط تمامی شرکت‌ها و اقتصاد ایالات متحده تحمل می‌شود. خورانا و میچالز (۲۰۱۱) اظهار کردند که سرمایه‌گذاران ایالات متحده در سرمایه‌گذاری، دارای تعصب به کشور هستند و با انجام بررسی‌های متعدد، نتیجه گرفتند که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی توسط سایر کشورهای جهان، بر این موضوع موثر است.

ایتالیا: اوربانی و سابررو (۲۰۰۹) کاهش قابل توجهی را در محتوای اطلاعاتی دارایی‌های نامشهود و به‌ویژه سرقتی، پس از به کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی یافتند.

برزیل: مارتینز و پائولو (۲۰۱۰) مشاهده کردند که به کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، از طریق تغییرات مثبت در شاخص‌های وابستگی مالی، نسبت بدهی، بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام و تغییرات منفی بر شاخص‌های عدم انتقال کارکنان دائمی، نقدینگی و نسبت جاری، در تحلیل‌های عملکرد شرکت، منعکس شده است. فرناندو و آریوالدو (۲۰۱۰) معتقدند استانداردهای حسابداری جدید مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، تاثیر مثبت بر افشای شرکت دارند، اما شرکت‌ها هنوز تمام اطلاعات مورد نیاز را افشاء نمی‌کنند.

بریتانیا: هارتون و سرافین (۲۰۰۸) بازده غیرعادی منفی قابل توجهی یافتند برای شرکت‌هایی که تعدیل تطابق منفی در سود استانداردهای حسابداری بریتانیا (به استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی) گزارش کردند. پاتنان و پارمار (۲۰۰۸) گزارش کردند پس از به کارگیری استانداردهای بین‌المللی

گزارشگری مالی در بریتانیا، تمرکز سرمایه‌گذاران از سود به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، تغییر می‌کند. البته این نتیجه نیز حاصل شد که تغییری در توانایی اطلاعات حسابداری برای پیش‌بینی ارزش آتی سهام ایجاد نمی‌شود.

پرتغال: فرانسیسکو و همکاران (۲۰۰۷) نشان دادند که ساختار ترازنامه و صورت سود و زیان شرکت‌های مورد بررسی فهرست شده در بورس لیسبون، در فرایند تطبیق با استانداردهای بین‌المللی دچار مشکلاتی شده است.

چین: نتایج مطالعه چان و ژنگ (۲۰۰۹) نشان می‌دهد که اتخاذ استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، لزوماً منجر به اجرای انواع روش‌های حسابداری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نمی‌شود. یافته‌های پنگ و بیولی (۲۰۰۹) نشان می‌دهند: (۱) به نظر می‌رسد رویه‌های چینی‌ها در پذیرش و اجرای ارزش منصفانه حسابداری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، تحت شرایط سیاسی و اقتصادی انجام شده و پیش می‌رود و آمادگی بازار سرمایه یا دیگر زیرساخت‌های اساسی، در نظر گرفته نمی‌شوند؛ (۲) چین به طور گسترده، ارزش منصفانه حسابداری مشتق شده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را پیاده کرده است. اما هنوز هم اختلاف قابل توجهی وجود دارد که چالش‌های برای هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی مبنی بر حسابداری یکسان و یکنواخت محسوب می‌شود؛ و (۳) اجرای ارزش منصفانه حسابداری در چین، تنها اندکی بهبود یافته است و از آنجا که نخستین تلاش در اصلاح و بازسازی ارزش منصفانه با شکست مواجه شده است، در اثر بخشی تلاش‌ها برای اجرا و پیاده‌سازی در آینده، تردید ایجاد کرده است.

روسیه: باگاونا (۲۰۰۹) اظهار داشت که استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، کیفیت حسابداری بالاتری به همراه دارد، زیرا مدیریت سود را کاهش می‌دهد.



هیئت استانداردهای

بین‌المللی حسابداری، هدف

رسمی خود را چنین بیان

می‌کند: مجموعه‌ای واحد

از استانداردهای جهانی

حسابداری قابل درک و قابل

اجرا در جهت منافع عمومی

که اطلاعاتی با کیفیت

بالا، شفاف و قابل مقایسه

را در صورت‌های مالی و

سایر گزارش‌های مالی،

تضمین می‌کنند تا به فعالان

بازارهای جهانی سرمایه

و سایر استفاده‌کنندگانی

که تصمیمات اقتصادی

می‌گیرند، کمک کند

می‌گیرند، کمک کند

می‌گیرند، کمک کند

می‌گیرند، کمک کند

می‌گیرند، کمک کند

می‌گیرند، کمک کند

می‌گیرند، کمک کند

می‌گیرند، کمک کند

می‌گیرند، کمک کند

می‌گیرند، کمک کند

می‌گیرند، کمک کند

می‌گیرند، کمک کند

می‌گیرند، کمک کند

می‌گیرند، کمک کند

می‌گیرند، کمک کند

می‌گیرند، کمک کند

می‌گیرند، کمک کند

می‌گیرند، کمک کند

می‌گیرند، کمک کند

می‌گیرند، کمک کند

نتیجه‌گیری

تحقق هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری، نیازمند زمان و برنامه‌ریزی دقیق است. تجربه کشورهایی که تاکنون استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی را پذیرفته و به کار گرفته‌اند (به تحقیقات انجام شده در بسیاری از کشورها در متن مقاله اشاره شد و به دلیل محدودیت تعداد صفحات، تحقیقات مربوط به ایرلند، ترکیه، ژاپن، سنگاپور، فنلاند، کانادا، لهستان، مالزی، مجارستان، یونان، و ایران و قیاس کشورها، حذف شدند)، بیانگر این امر است که به کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به عنوان جایگزین استانداردهای ملی، در برخی کشورها کاملاً موفقیت‌آمیز بوده و مزایایی از قبیل: بهبود کیفیت اطلاعات، کسب اطلاعات بیشتر به‌منظور پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی، بهبود پیش‌بینی تحلیل‌گران مالی و... را به همراه داشته است. از طرفی برخی از کشورها که تعدادشان نسبتاً اندک است، خود را در به کارگیری استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی موفق نمی‌دانند و مشکلاتی از قبیل بالا بودن هزینه‌های انتقال از استانداردهای ملی به استانداردهای بین‌المللی و کاهش کیفیت سود را مطرح می‌کنند. در پاسخ ایرادات مطرح شده، می‌توان گفت که بسیاری از مشکلاتی که کشورها در انتقال به استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی با آن مواجه‌اند، موقتی بوده و در بلندمدت، رفع خواهد شد و مزایای ناشی از انتقال، دارای گستردگی است که می‌تواند این معایب و مشکلات را پوشش دهد. در ایران نیز از دهه هشتاد تاکنون، فعالیت‌ها و تحقیقاتی به‌منظور هماهنگ‌سازی انجام شده، اما تاکنون، اقدامی عملی در راستای به کارگیری واقعی استانداردهای بین‌المللی صورت نگرفته است. برای تسریع انتقال و متعاقب آن پیش‌بینی و رفع موانع احتمالی، استفاده از تجربیات کشورهای متعدد استفاده کننده، بسیار سودمند خواهد بود.

* منابع مقاله در دفتر ماهنامه بورس موجود است